

یادداشت‌های روزانه یک خبرنگار آلمانی از بغداد (11)

استفان کلوس

بغداد 10 آوریل 2003

ساعت 6 و 30 دقیقه بعد از ظهر

غارتگران ماشین‌ها و کامیون‌ها را بار می‌زنند

در بغداد هرج و مرج حاکم شده است .
امروز هم دوباره غارت شده است .
چنانچه آدم آنرا با چشمان خود نبیند ، نمی‌تواند باور کند .
افراد ماشین‌ها و کامیون‌ها را پر می‌کنند .
آنها از ساختمانهای اداری ، تاسیسات و انستیتوها و مغازه‌ها آنچه‌که به نوعی قابل مصرف باشد ، بیرون می‌برند .
بعضی‌ها درها و پنجره‌ها را از جا در می‌آورند و با خود می‌برند .

آرا و نظرات به سرعت عوض می‌شوند

غارت کردن و نابود نمودن سمبل‌های رژیم برای شهروندان نقش یک سوپاپ اطمینان را دارد .
اما گاهی در جهت اشتباه و به انحراف کشیده می‌شود ، زیرا سفارت آلمان را نیز غارت کرده‌اند .
انسان بایستی که تفاوت بگذارد . اینها لایه‌های بسیار پایین جامعه هستند .
دوروز قبل حضور صدام در تلویزیون را جشن گرفتند ، دیروز به کمک تانک‌های آمریکایی مجسمه‌های صدام را پایین کشیدند و فردا آمریکایی‌ها را مجبور به خروج از سرزمینشان خواهند کرد و چنانچه تانک‌های مدرن و پیشرفته عراقی را در شهر ببینند از آنان حمایت خواهند کرد .

سربازان آمریکا همسایه دیوار به دیوار ما

در این بل‌بشو و هرج و مرج هتل فلسطین بیشترین امنیت را داراست .
اینجا آمریکایی‌هایی ردیف شده‌اند که از شرق بغداد وارد شده‌اند و اکنون همسایه مادر اتاق‌های هتل هستند .
اوضاع خیلی کم‌دی است .
دو روز پیش ارتش آنها سه نفر از همکاران ما را به قتل رساندند و امروز از ما حمایت می‌کنند .

سربازان جوان آمریکاییها کاملا سوخته‌اند

من با سربازان در هتل فاصله اصولی می‌گیرم ولی دوستانم چنین نمی‌کنند .
من برای سربازان نیز متاسفم زیرا آنها به سختی بیست سالشان می‌شود و هنوز بچه بنظر می‌رسند .
احتمالا برای اولین باریست که از کشور خود خارج می‌شوند .
پس از دو هفته که از میان کویر به اینجا رسیده‌اند کاملا سوخته شده‌اند و اعتقاد

دارند که برای سرزمین پدریشان جنگیده اند .
به عقیده من اینها هنوز آگاه نیستند که چه اتفاقی افتاده است .

بازسازی پس از جنگ هنوز موضوعی نیست

در میان شهروندان هنوز موضوع بازسازی کشور تحت رهبری هر کسی که باشد ، مطرح نیست .
برای آنها الان این مطرح است که کجا می توانند چیزی برای نوشیدن یا خوردن برای روزهای آتی تهیه کنند .
آنها تمایل دارند که دوباره درآمدی داشته باشند و بچه هایشان را بتوانند به مدرسه بفرستند .
در لحظات کنونی در بغداد برای غذاخوردن چیز زیادی پیدا نمی شود ، آدم باید ببیند که کجا رستورانی گهگاه باز می شود .
امروز خوشبختانه توانستم دوباره غذای گرم بخورم .
جوجه بانان دریافت کردم .
برای خودم نمی خواهم موقعیت را دراماتیک کنم ، این را آدم میتواند چند روزی تحمل کند .
برای ساکنین شهر موقعیت خیلی بدتر است . برای مثال در بیمارستانها هیچ چیز وجود ندارد .

صدام حسین توانست بدون مشکل ناپدید شود

خیلی این را جالب میدانم که آمریکایی ها هنوز صدام حسین را پیدا نکرده اند .
از این نظر که شباهت زیاد خود را با سرنوشت اسامه بن لادن نشان میدهد .
صدام حسین هنوز طرفداران زیادی دارد و ممکن است که ریش گذاشته باشد و موهایش را دیگر رنگ نکرده باشد و جایی در میان یک خانواده مخفی شده باشد .
من این احتمال را می دهم که پس از یک دوره زمانی تحت اشغال ، حس میهن دوستی عراقی ها دوباره شعله ور شود و بر روی امواج وزمینه دلتنگی برای وطن ستایشی از صدام حسین صورت گیرد .

بغداد 11 آوریل 2003
ساعت 19 و 45 دقیقه

جنگی دوباره ، جنگی دیگر

امروز من شوکه شدم . امروز صبح بیدار شدم با کمی امیدواری که روز آرامتری در پیش است ، اما غارت و چپاول همچنان پابرجاست و ادامه دارد . من بارها در شهر بودم . تاسف آور است . مردم در خیابان ها دور می زنند و غارت می کنند . این یک جنگ است ، اما جنگی دیگر و یک هرج و مرج کامل است . مردم مغازه ها و اماکن عمومی را خالی می کنند . صندلی ها ، فرش ها ، میل و کاناپه ، کامپیوتر و هر آنچه را که قابل حمل باشد با خود میبرند . مردم صندلی های دفاتر را روی گاری ها گذاشته و منتقل می کنند و بسیاری از ساختمان های دولتی در آتش می سوزند . از پنجره که به بیرون نگاه می کنم در مناطق دولتی ابرهایی از دود و آتش سرخ رنگ می بینم . شهر و یا آنچه که پس از بمباران به جای مانده است نابود می شود .

افراد مسلح با ماشین در شهر حرکت می کنند

فروشگاه های مواد غذایی نیز چپاول می شوند . این وضعیت شهر را بدتر می کند . زیرا که اکنون نیز چیز زیادی برای خوردن نمانده است . من احتمال می دهم که در روزهای آینده چیزی برای خوردن یافت نشود . موقعیت خبرنگاران از زمان بمباران ها بدتر بنظر می آید . در شهر افراد مسلح بر روی وانت ها حرکت می کنند و همه چیز را با خود می برند ، آنچه را که بتوانند . همکاران من گزارش می کنند که در خیابانها کشته شده هایی موجود هستند که گردنشان بریده شده است . وقتی که من در راه هستم تلاش می کنم که توجه کسی را جلب نکنم . با مردم بندرت میتوان گفتگو نمود .

آمریکایی ها دخالت نمی کنند

باورکردنی نیست آنچه که اتفاق می افتد ، زمانی که قانونی وجود ندارد . از چه چیز این کشور را آزاد می کنند ! زمانی که در این موارد دخالت نمی کنند . آنها تلاشی هم نمی کنند وقتی که غارت را نظاره می کنند . من امروز دو تانک آمریکایی را در جلوی یک ساختمان متعلق به رژیم را دیدم که غارت می شدند . سربازان آنرا مشاهده کردند و سپس به حرکت خود ادامه دادند . اما به تنهایی هتل فلسطین که ما در آنجا زندگی می کنیم از جانب آمریکایی ها مراقبت می شود و تنها بدین وسیله ما امنیت داریم . آمریکاییها می توانند به تنهایی به این هرج و مرج خاتمه دهند . آنها می توانند

اطلاعیه دهند که دوباره پلیس شهری نظم را برقرار کنند. اما این اطلاعیه موجود نیست.

صدام ، آمریکا و سازمان ملل همه گناهکارند

همچنین غارتگران را نیز باید درک کرد. آنها تحت حاکمیت این رژیم زیر فشار و به فلاکت کشیده شده اند و اکنون این فشار برداشته شده است. عراقی ها ولی تنها صدام را گناهکار نمی دانند. همچنین آمریکا و سازمان ملل را نیز گناهکار می دانند. در سالهای گذشته به سختی تحریم اقتصادی را متحمل شده اند و خیلی از عراقی ها که پیش از این در رفاه بوده اند به فقر و بدبختی کشیده شده اند و بیکار شده اند. در دوازده سال گذشته این پتانسیل رشد کرده است و اکنون مردم با خود هر آنچه که بتوانند با خود می برند.

پزشکان در بیمارستان مرکزی ناتوانند

من امروز در بیمارستان مرکزی بودم. تا کنون اینجا از غارت و چپاول مصون بوده است، بدین علت که تانکهای آمریکایی ها در جلوی درب آن ایستاده اند. آنجا همه چیز بهم ریخته است. همه جا زخمی های بمبارن ها دیده می شوند. زخمی های جنگ خیابانی و همچنین غارتگری ها بوی بدی می آید. انسانها ناله می کنند و دکتورها درمانده اند و بدون کمک مانده اند. داروهای درد موجود نیست. من واقعا برای همه اینها متاسفم.

برگردان ، روزبه وین